

The Study of Marriage Postponement Process in the Youth: A Phenomenological Study

Ebrahim Jahandar¹, Asieh Shariatmadar²

1. M.A. of Family Counseling, Department of Counseling, Faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. ebrahim.jahandar1986@gmail.com
2. (Corresponding author), Ph. D. in Counseling, Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. shariatmadar@atu.ac.ir

ABSTRACT

Received: 12/04/2021 - Accepted: 09/04/2022

Aim: The purpose of this study was to study the phenomenological process of postponing marriage in young people in order to understand different aspects of this phenomenon and how young people perceive it. **Methods:** To achieve the research goal, a qualitative approach and a descriptive phenomenological method were utilized. The research population included single and never-married girls and boys living in Tehran between the ages of 28 to 34 years for girls, and 32 to 38 years for boys. Purposeful sampling was used with the convenient sampling and 13 individuals including 7 girls and 6 boys were selected as the sample. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed by Colaizzi method. **Finding:** Finally, the research findings reported falls into 12 main themes and 61 sub-themes. The main themes are: economic concerns, idealism, fear of future marriage, the impact of premarital relationships, motivational processes, immaturity and readiness for marriage, the role of family barriers, socio-cultural factors, selection constraints, preconceived notions of marriage, positive consequences and negative consequences. **Conclusions:** The results showed that postponing marriage is a complex phenomenon which is affected by objective constraints, limiting mental perceptions and insufficient maturity and has many negative consequences for young people. It seems that the efforts of the counseling and psychological community to produce content in the fields of creating a culture of easy marriage process, reviving the values of marriage, correcting the misconceptions of young people, and dissemination of successful marriages in the social media and networks, is an effective step to remove mental barriers of marriage.

Keywords: Marriage postponement, Delay in marriage, Youth, Marriage age.



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۸۹، بهار ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

e-issn: 4018-2717

p-issn: 400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i89.15787

بررسی فرایند به تعویق انداختن ازدواج جوانان: یک مطالعه پدیدارشناختی

ابراهیم جهاندار^۱، آسیه شریعتمدار^۲

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ebrahim.jahandar1986@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دکتری مشاوره، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. shariatmadar@atu.ac.ir

(صفحات ۴-۳۵)

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر مطالعه پدیدارشناسانه فرایند به تعویق انداختن ازدواج جوانان در جهت فهم عمیق جنبه‌های مختلف این پدیده و چگونگی ادراک جوانان از آن بوده است.

روش: برای دستیابی به هدف پژوهش از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. جامعه مورد پژوهش، دختران و پسران مجرد و هرگز ازدواج نکرده ساکن شهر تهران در محدوده سنی ۲۸ تا ۳۴ سال برای دختران و ۳۲ تا ۳۸ سال برای پسران بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند از میان افراد در دسترس محقق انجام شد و ۱۳ نفر شامل ۷ دختر و ۶ پسر به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش کلابزی صورت پذیرفت.

یافته‌ها: در نهایت یافته‌های پژوهش در قالب ۱۲ مضمون اصلی و ۶۱ مضمون فرعی گزارش شد. مضامین اصلی مستخرج عبارتند از: دغدغه‌های اقتصادی، آرمان‌گرایی، ترس از آینده ازدواج، تأثیر روابط پیش از ازدواج، فرایندهای انگیزشی، عدم بلوغ و آمادگی برای ازدواج، نقش موانع خانوادگی، عوامل اجتماعی- فرهنگی، محدودیت انتخاب، انگاره‌های مانع ازدواج، پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان داد به تعویق انداختن ازدواج پدیده‌ای پیچیده است که هم تحت تأثیر محدودیت‌های عینی و هم تحت تأثیر ادراکات ذهنی محدودکننده و بلوغ ناکافی اتفاق می‌افتد و دارای پیامدهای منفی زیادی برای جوانان است. به نظر می‌رسد تلاش جامعه مشاوره و روان‌شناسی در جهت تولید محتوا در زمینه‌های فرهنگ‌سازی ازدواج آسان، احیای ارزش‌های ازدواج، اصلاح باورهای غلط جوانان، اشاعه فرهنگ ازدواج موفقیت‌آمیز در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، گام مؤثری در راستای رفع موانع ذهنی ازدواج باشد.

واژه‌های کلیدی: به تعویق انداختن ازدواج، تأخیر در ازدواج، جوانان، سن ازدواج.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین روابط بین دو جنس می‌باشد که در آن زن و مرد از لحاظ عاطفی و قانونی نسبت به هم متعهد شده و آغاز زندگی زناشویی می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف و موفقیت شخصی محسوب شود (ابراهیمی، کرایبی، عباسپور و شهبازی، ۱۳۹۹). ازدواج موفق به عنوان یکی از مهم‌ترین پیوندها و رابطه‌ای منحصر به فرد می‌تواند تامین‌کننده امنیت، آرامش، حمایت، صمیمیت و رشد باشد (فرخی و اسلام‌زاده، ۱۳۹۹). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد ازدواج موفق باعث می‌شود فرد زندگی شادتر و توام با سلامت بیشتری را تجربه کند (افشاری‌کاشانیان، زهراکار، محسن‌زاده و تاجیک‌اسماعیلی، ۱۳۹۸). به سنی که در آن افراد به زندگی زوجی ورود پیدا می‌کنند، سن ازدواج گفته می‌شود (میشل^۱؛ ۱۹۷۲؛ ترجمه اردلان، ۱۳۷۸). بر اساس نظر مورایاما^۲ (۲۰۰۱)، سن ازدواج یکی از عوامل تعیین‌کننده سلامت روحی و جسمی افراد یک جامعه می‌باشد و افزایش این شاخص می‌تواند سلامت جامعه را با خطرات و چالش‌های جدی مواجه نماید. اسکندری چراتی (۱۳۸۷) تأخیر در ازدواج را بالاترین سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه تعریف می‌کند که هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی می‌تواند مورد مطالعه قرار بگیرد. سن مطلوب ازدواج، سنی است که از لحاظ عرفی و قانونی بهترین زمان برای ازدواج به شمار می‌رود. بیوک‌زاده (۱۳۹۰) مناسب‌ترین سن ازدواج را سنی می‌داند که فرد علاوه بر بلوغ کامل جسمی، به بلوغ روانی نیز رسیده و توان پذیرش مسئولیت‌های ازدواج را داشته باشد.

ازدواج به عنوان یک رویداد زیستی، فرهنگی و اجتماعی هم بر جامعه تأثیرگذار است و هم از آن تأثیر می‌پذیرد (حسینی، صادقی و رضایی، ۱۳۹۸). در واقع طی چند دهه‌ی اخیر، نهادهای اجتماعی که در راس آن‌ها خانواده قرار دارد، با تأثیرپذیری از پدیده‌هایی

1. Michel
2. Murayama

مانند جهانی شدن، مدرنیزاسیون و فراگیری شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی دستخوش تغییرات فراوانی شده‌اند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های متأثر از این تحولات، الگوی ازدواج و سن ورود به رابطه زناشویی می‌باشد (شهانواز و اعظم‌آزاده، ۱۳۹۸). به‌طور مثال در جوامع غربی از جمله ایالات متحده آمریکا میانگین سن اولین ازدواج جوانان افزایش یافته و به اواخر دهه‌ی سوم و اوایل دهه‌ی چهارم زندگی موکول شده است (ویلوگی، یورگاسون، جیمز و کرامر^۱، ۲۰۲۱). در ایران نیز با افزایش ناگهانی جمعیت در دهه ۱۳۶۰ و تقارن زمان ازدواج متولدین آن دهه با بحران‌ها و رکود اقتصادی جامعه، آمار جوانان ازدواج‌نکرده افزایش یافته و تأخیر در ازدواج را تبدیل به یک مسئله جدی کرده است (التجائی و عزیززاده، ۱۳۹۵). به‌طوری‌که میانگین سن ازدواج از ۲۳/۸ سال برای آقایان و ۱۹/۹ سال برای خانم‌ها در سال ۱۳۶۵ به ۲۷/۴ و ۲۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. لازم به ذکر است که آمارهای مربوط به سال ۱۳۹۷ در کلان‌شهر تهران، میانگین سن اولین ازدواج را در آقایان ۲۹/۴ سال و در خانم‌ها ۲۵/۷ سال گزارش کرده‌اند. همچنین آمار تعداد ازدواج‌ها در تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ کاهشی ۲۷ درصدی نشان می‌دهد (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۸).

امروزه نگرش جوانان به ازدواج تغییر کرده و علاوه بر رفع نیازهای جنسی و تولید مثل، به دنبال یک زندگی عاشقانه و غنی می‌باشند (نوبلز و بوتنهایم^۲، ۲۰۰۸). یکی دیگر از مهم‌ترین اختلافات ارزشی بین نسلی، نوع نگرش نسبت به رابطه پیش از ازدواج دختر و پسر است، به‌طوری‌که بیش از ۸۰ درصد نسل جوان با معاشرت پیش از ازدواج دختر و پسر موافقت (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶). همچنین شهانواز و اعظم‌آزاده (۱۳۹۷) معتقدند افزایش سطح تحصیلات، گسترش رسانه‌های جمعی و توسعه اقتصادی نیز موجب شده ارزش‌ها و به تبع آن فرهنگ نسل جوان دچار تغییرات عمده شود. به‌طور مثال برخی از رسانه‌ها با تبلیغ ازدواج دیر هنگام سعی در القای این حقیقت دارند که اگر

1. Willoughby, Yorgason, James, & Kramer Holmes
2. Nobles, & Bутtenheim

در مجردی احساس خوشبختی می‌کنید، دیر ازدواج کنید (اج^۱، ۲۰۱۷).

از نظر درمانگران گشتالتی، در بسیاری از موارد وجود ترس‌های صحنه‌ای از اتفاقات آینده، باعث ایجاد وقفه‌ها، اختلال‌ها و مقاومت‌هایی در برابر تماس شده و موجب می‌شود فرد از تماس با پدیده مورد نظر اجتناب ورزد (کری، ۲۰۰۹؛ سیدمحمدی، ۱۳۹۵).

گروهی از جوانان به دلیل وجود ترس و نگرانی از رفتارها و نقش‌های آینده، از تماس با ملزومات ازدواج از جمله مسئولیت، تعهد و وفاداری اجتناب می‌کنند. همان‌طور که سلیم، چادری، جابر و می‌شال (۲۰۱۵) ورود به زندگی زناشویی را با ترس از فقدان آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی همراه می‌دانند و محدعیسی، میسری، فضلان، رزلی، مکتار و کوعزیز^۲ (۲۰۲۰) معتقدند گروهی از جوانان از لزوم حفظ تعهد نسبت به همسرشان هراس دارند و به همین دلیل از ازدواج دوری می‌کنند.

افزایش تعداد جوانانی که هرگز ازدواج نمی‌کنند یا فرصتی برای ازدواج نمی‌یابند و یا گروهی که ترجیح می‌دهند سال‌های زیادی از عمر خود را به صورت مجردی زندگی کنند، مسئله ازدواج را در ایران به یک معضل جدی تبدیل کرده که می‌تواند پیامدهای زیادی همچون افزایش اضطراب، افسردگی، اختلالات رفتاری و انحرافات جنسی را به همراه داشته باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). علاوه بر این‌ها، بالا رفتن سن ازدواج می‌تواند باعث تأخیر در فرزندآوری و افزایش فاصله بین نسل‌ها و تولد فرزندهای عقب مانده به دلیل افزایش سن مادران شود (پروین، فعله‌گری و کیانی، ۱۳۹۶). یو (۲۰۱۶) یکی دیگر از پیامدهای به تعویق انداختن ازدواج را کاهش نرخ ازدواج زنان در سنی که شانس باروری دارند، می‌داند. بر اساس مطالعات مرکز باروری پیشرفته در شیکاگو از هر ۴ خانم در سن ۳۵ سالگی ۱ نفر نابارور می‌باشد که نشان دهنده کاهش تدریجی نرخ باروری زنان در دهه‌ی چهارم زندگی‌شان است (بینسون^۳، ۲۰۱۴).

1. Edge
2. Mohd Isa, Misri, Fazlan, Rezali, Moktar, & Ku Aziz
3. Binson

تنوع پژوهش‌های انجام شده در حوزه تأخیر ازدواج، نشان‌دهنده اهمیت بالایی آن در جوامع و فرهنگ‌های مختلف است. به‌عنوان مثال حسینی، سیدمیرزایی و ساروخانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان» که به روش پدیدارشناسی روی یک نمونه ۲۸ نفره از دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال انجام شد، واپس‌زدگی در ازدواج را ناشی از چهار مقوله ترس، بی‌میلی، افول ارزش‌های فرامادی و لذت‌گرایی گزارش کردند. زارعان (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران» که به روش گراند تئوری و با بهره‌گیری از نمونه‌ای ۱۱۲ نفره از دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در مقاطع مختلف در بازه سنی ۲۰ تا ۳۶ سال انجام شد، علل تأخیر در ازدواج را در دو دسته مناسبات درونی (ایده‌آل‌گرایی، بدبینی به اجتماع، عدم تمایل به ازدواج، وسواس، ترس از آینده و عدم بلوغ فکری و عاطفی) و مناسبات بیرونی (نبود خواستگار مناسب، هزینه‌های اقتصادی، سختگیری خانواده، مشکلات فرهنگی و فضای باز برای برآورده شدن نیاز جنسی مردان) معرفی کرد. همچنین نتایج پژوهش پروین، فعله‌گری و کیانی (۱۳۹۶) با عنوان «تجربه زیسته دختران از تأخیر در ازدواج و گونه‌شناسی استراتژی‌های مواجهه با آن» که به روش پدیدارشناسی و با استفاده از نمونه ۲۰ نفره از دختران مجرد ۳۳ تا ۴۹ ساله صورت گرفت، کم‌رنگ شدن سنت‌ها و گرایش به ارزش‌های مدرن را از عوامل تأخیر در ازدواج و خودشناسی و رشد اجتماعی، خودمختاری در تصمیم‌گیری، عدم تعهد و مسئولیت، شکست‌های عاطفی و نگرانی اطرافیان را از پیامدهای این پدیده معرفی کرد. عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی کیفی با عنوان «مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی» که روی نمونه ۲۰ نفره از دختران مجرد ۳۰ تا ۴۴ ساله انجام شد، تأخیر در ازدواج را در دو مقوله زمینه‌های فردی (الگوهای عقیدتی، الگوهای روان‌شناختی و متعین‌های تجربه‌زمانی) و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی (تحول

مناسبات میان دو جنس، فیلترینگ دیگران مهم و سستی مبانی اخلاقی) گزارش کردند. محد عیسی و همکاران (۲۰۲۰) طی پژوهشی کیفی با عنوان «ادراک زنان در ازدواج دیرهنگام» که در کشور مالزی و با استفاده از نمونه ۷ نفره از زنان بالای ۳۰ سال انجام شد به این نتیجه رسیدند که تأخیر در ازدواج جوانان با چالش‌هایی نظیر مشکلات ارتباطی با اطرافیان، احساس تنهایی، مشکل در یافتن همسر مناسب و کاهش احتمال باروری همراه بوده و مهمترین دلایل تأخیر ازدواج را نگهداری از والدین سالمند، مسائل مالی و زندگی گذشته‌شان گزارش کردند. لی^۱ (۲۰۱۸) نیز وجود انتخاب‌های سودمند جایگزین و کاهش هزینه‌ها و پیامدهای منفی تجرد را از عوامل افزایش سن ازدواج معرفی کرده است. بررسی پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با تأخیر ازدواج، نشان داد که اکثر مطالعات کیفی انجام شده، با توجه به شرایط فرهنگی کشور ما و نگرانی‌های موجود در ارتباط با مسئله باروری بانوان، صرفاً به بررسی این پدیده در دختران پرداخته (زارعان، ۱۳۹۷؛ پروین و همکاران، ۱۳۹۶)، و مسائل روان‌شناختی مردان در به تعویق انداختن ازدواج مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. همچنین بازه سنی مشارکت‌کنندگان در پژوهش‌های کیفی قبلی محدوده گسترده‌ای را شامل شده است. به طور مثال در پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۷) بازه سنی مشارکت‌کنندگان از ۱۸ تا ۳۵ سال بوده و یا در پژوهش عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵) نمونه‌ها از بین دختران ۳۰ تا ۴۴ ساله انتخاب شده‌اند. این در حالیست که پژوهش حاضر به دنبال بررسی دنیای پدیداری جوانان در فرایند به تعویق انداختن ازدواج در بازه سنی محدود می‌باشد. زیرا ادراک جوان ۱۸ ساله از تأخیر در ازدواج با پدیدار فرد ۴۰ ساله از افزایش سن ازدواج می‌تواند بسیار متفاوت باشد. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد طی یک مطالعه پدیدارشناسانه، از منظر روان‌شناختی، ذهنی و درون فردی به بررسی پدیده به تعویق انداختن ازدواج دختران و پسران در بازه سنی محدودتر و شناخت پیچیدگی‌ها و دغدغه‌های روانی آن‌ها بپردازد و

به این سؤال پاسخ دهد که پدیدار، درک و معنای فرایند به تعویق انداختن ازدواج در جوانان چگونه است؟

روش پژوهش

با توجه به این که در پژوهش حاضر، پژوهشگر به دنبال کسب فهم عمیق تر از پدیده به تعویق انداختن ازدواج در جوانان است، از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. در پژوهش های کیفی تفسیر و بررسی پدیده ها بر اساس نگرش و معنادهی مشارکت کنندگان در پژوهش می باشد (زندى، رحیمی و موسوی نسل، ۱۳۹۹). لذا در پژوهش حاضر سعی شد با کنار گذاشتن سوگیری ها، پیش داوری ها و باورهای خاص در ارتباط با پدیده به تعویق انداختن ازدواج جوانان، در جهت دستیابی موفقیت آمیز به ماهیت این پدیده و درک بهتر دنیای پدیداری مشارکت کنندگان گام برداشته شود.

جامعه مورد پژوهش، متشکل است از دختران و پسران مجرد در سال ۱۳۹۹ در محدوده سنی ۲۸ تا ۳۴ سال برای دختران و ۳۲ تا ۳۸ سال برای پسران که ملاک های ورود به پژوهش را داشتند. هدف از انتخاب این بازه سنی این بوده است که از طرفی سن مشارکت کنندگان حداقل دو سال از میانگین سن ازدواج در تهران بالاتر بوده و از طرف دیگر هنوز از دوران طلایی ازدواج فاصله زیادی نگرفته باشند. در واقع با توجه به تفاوت ادراک جوانان از پدیده تأخیر در ازدواج در گروه های سنی مختلف، انتخاب یک بازه سنی محدود در جهت درک عمیق تر پدیده مورد مطالعه، مؤثر بوده است.

ملاک های ورود به پژوهش عبارتند بودند از: سکونت در شهر تهران و نداشتن سابقه ازدواج. همچنین ملاک های خروج از پژوهش عبارت بودند از: ناتوانی جسمی و معلولیت شدید یا بیماری های صعب العلاج که احتمالاً عامل تأخیر در ازدواج باشند، بودن در شرف ازدواج (نامزدی یا خواستگاری) و عدم تمایل به مشارکت در پژوهش.

در پژوهش حاضر، نمونه گیری به روش هدفمند و در دسترس انجام شد. در واقع محقق ۱۳ نفر (۷ دختر و ۶ پسر) را بر اساس موضوع و هدف تحقیق انتخاب کرد.

همچنین جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته که رایج‌ترین شکل مصاحبه در تحقیقات کیفی است، استفاده شد. سوالات مصاحبه بازپاسخ بوده و با توجه به انعطاف این روش، سوالات بعدی بر اساس پاسخ مشارکت‌کنندگان، در جهت فهم عمیق‌تر پدیده به تعویق انداختن ازدواج، مطرح گردید. از جمله سوالات مصاحبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نگرش و دیدگاهتان در مورد ازدواج چیست؟ چه چیزهایی باعث شده که تصمیم بگیرید تا الان ازدواج نکنید؟ ازدواج نکردن چه پیامدهایی برایتان داشته؟ نگرش کنونی‌تان به ازدواج نسبت به چند سال قبل چه تغییری کرده؟ چه چیزهایی باعث این تغییر شده؟ پدر، مادر و اطرافیان در ارتباط با این پدیده چطور برخورد می‌کنند؟

مدت زمان هر مصاحبه بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بود و با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، همه مصاحبه‌ها به صورت الکترونیکی ضبط گردید. مصاحبه‌ها تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات که در آن فهم روشن‌تری از پدیده در گفته‌های مشارکت‌کنندگان به دست نیامد، ادامه پیدا کرد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی که رایج‌ترین روش در تحقیقات پدیدارشناسی توصیفی است، استفاده شد. مراحل هفت‌گانه این روش عبارتند از: مطالعه دقیق توصیف مشارکت‌کنندگان، استخراج عبارات مهم، فرموله کردن معانی، سازماندهی مضامین و ایجاد خوشه‌هایی از تم‌ها، تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش، تدوین توصیف جامع به صورت یک بیانیه صریح و روشن و اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها از طریق ارجاع به مشارکت‌کنندگان و تایید نهایی مضامین مستخرج از جانب آن‌ها. (عابدی، ۱۳۸۹).

با در نظر گرفتن این نکته که در پژوهش‌های کیفی با تجارب عمیق مشارکت‌کنندگان در ارتباط هستیم، رعایت اصول اخلاقی در آن حائز اهمیت می‌باشد. از جمله ملاحظات اخلاقی که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفت، می‌توان به مواردی از جمله آگاه‌سازی شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش، اخذ رضایت آگاهانه از

مشارکت‌کنندگان، کسب اجازه برای ضبط مصاحبه‌ها، رعایت اصل رازداری، محفوظ ماندن نام مشارکت‌کنندگان و استفاده از اسم مستعار، امکان انصراف در هر مرحله از پژوهش، احترام به حریم خصوصی مشارکت‌کننده اشاره کرد. لازم به ذکر است پژوهش حاضر با شناسه اخلاق IR.ATU.REC.1399.048 در دانشگاه علامه طباطبائی به ثبت رسیده است.

یافته‌ها

در ابتدا جدول جمعیت شناختی مربوط به مشارکت‌کنندگان ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است میانگین سنی مشارکت‌کنندگان خانم ۳۰/۳ سال و بازه سنی آن‌ها ۲۸ تا ۳۴ سال و میانگین سنی مشارکت‌کنندگان آقا ۳۴/۷ سال و بازه سنی آن‌ها بین ۳۲ تا ۳۷ می‌باشد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

شماره	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل
۱	دختر	۲۹	کارشناسی ارشد طراحی صنعتی	برنامه‌نویس
۲	دختر	۳۰	کارشناسی ارشد مشاوره	دانشجو
۳	دختر	۳۱	کارشناسی مدیریت بازرگانی	کارشناس آموزش
۴	پسر	۳۴	کارشناسی ارشد مشاوره	مدرس زبان
۵	پسر	۳۷	کارشناسی ارشد مشاوره	بیکار
۶	پسر	۳۵	کارشناسی ارشد مهندسی شیمی	بیکار
۷	دختر	۳۰	کارشناسی معماری	بیکار
۸	دختر	۲۸	کارشناسی عمران	بیکار
۹	دختر	۳۰	کارشناسی ارشد مشاوره	دانشجو
۱۰	پسر	۳۵	کارشناسی علوم سیاسی	کارمند هتل
۱۱	پسر	۳۵	کارشناسی ارشد مهندسی صنایع	مدیر تعالی سازمانی
۱۲	پسر	۳۲	کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی	آزاد
۱۳	دختر	۳۴	کارشناسی ارشد بیوشیمی	سرپرست بخش تولید محتوا در مرکز آموزشی

در پاسخ به سؤال تحقیق، ۱۲ مضمون اصلی و ۶۱ مضمون فرعی در قالب یک مضمون هسته‌ای به دست آمد که در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی مستخرج از تجارب زیسته شرکت‌کنندگان در مورد به تعویق انداختن ازدواج

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
به تعویق انداختن ازدواج پدیده‌ای پیچیده است که هم تحت تأثیر محدودیت‌های عینی و هم تحت تأثیر ادراکات ذهنی محدودکننده و عدم رشد و بلوغ اتفاق می‌افتد و دارای پیامدهای منفی زیادی برای جوانان است.	دغدغه‌های اقتصادی	دشواری مدیریت مالی ازدواج عدم ثبات اقتصادی جامعه بیکاری و نبود درآمد کافی دشواری اقتصادی خانواده در فراهم کردن مقدمات ازدواج فقدان حمایت مالی
	آرمان‌گرایی	افزایش انتظارات و کاهش قدرت سازگاری اجتناب از انتخاب برای فرصت‌های بهتر نقش اسطوره‌های آرمانی کسب آگاهی و بالارفتن انتظارات با افزایش سن سخت گرفتن زندگی
	ترس از آینده ازدواج	نگرانی از ابهام در ازدواج و عدم تفاهم تأثیر ازدواج ناموفق اطرافیان و ترس از شکست ترس از یکنواختی و فقدان هیجان در ازدواج
	تأثیر روابط پیش از ازدواج	تحمل آسیب به خاطر شکست عاطفی تمایل به روابط دوستی و نه ازدواج محدود شدن معیارها در تجربه عشق نافرجام از دست رفتن فرصت ازدواج در روابط قبل از ازدواج
فرایندهای انگیزشی	در اولویت نبودن انتخاب ازدواج سهولت و مزایای انتخاب‌های جایگزین رضایت از زندگی مجردی عدم موازنه سود و زیان در ازدواج والایش انگیزه ازدواج	

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
	نبود آمادگی کافی برای ازدواج	مسئولیت‌گریزی و فرار از تعهد ضرورت کسب بلوغ مقدمه ازدواج بحران هویتی فقدان مهارت‌های موردنیاز ازدواج معیارهای کلی و مبهم در انتخاب
	موانع خانوادگی	عدم ترغیب و انتظار ازدواج از جانب خانواده تلقین‌های خانواده در مورد عدم آمادگی وابستگی شدید خانواده اجتناب از ازدواج به دلیل مخالفت خانواده با فرد مورد علاقه ایفای نقش اقتصادی در خانواده الگوبرداری از زندگی اطرافیان مهم کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها در ازدواج
	عوامل اجتماعی - فرهنگی	تشریفات تحمیلی غیر قابل اجتناب چشم و هم‌چشمی در انتخاب همسر محدودیت‌های فرهنگی در رابطه دختر و پسر نبود گزینه مناسب ازدواج
	انگاره‌های مانع ازدواج	نبود فرصت انتخاب برای خانم‌ها ازدواج موجب محدودیت تلقی از ازدواج به عنوان امری دشوار ازدواج: فقدان آزادی و ارتباطی اجباری بهای سنگین ازدواج ازدواج موجب سلب حقوق زن
	پیامدهای مثبت	دستیابی به بلوغ و پختگی قبل از تشکیل خانواده ارتقای شرایط مالی
	پیامدهای منفی	احساس تنهایی شکاف سنی با فرزندان از دست دادن فرصت رشد و استقلال کاهش سازگاری با افزایش سن

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		از دست دادن فرصت تشکیل خانواده
		ترس از آینده مبهم
		نگاه منفی اطرافیان یا جامعه
		کاهش سطح کارآمدی در جنبه‌های مختلف
		سی سالگی: آمادگی برای سازش با مجرد
		تضعیف مسئولیت‌پذیری
		دشوار شدن پیشرفت‌های مالی
		از دست دادن فرصت مادری

مضمون اصلی اول، دغدغه‌های اقتصادی است که پنج مضمون فرعی دشواری مدیریت مالی ازدواج، عدم ثبات اقتصادی جامعه، بیکاری و نبود درآمد کافی، دشواری اقتصادی خانواده در فراهم کردن مقدمات ازدواج و فقدان حمایت مالی را دربرمی‌گیرد. خانم ۳۰ ساله (کارشناسی ارشد مشاوره): فکر می‌کنم مهم‌ترین بیکاری باشه و علاوه بر بیکاری حتی اونایی که صاحب شغلی هستن اون درآمدی که دارن کفاف معاش زندگیشون رو نمیده

دومین مضمون اصلی، آرمان‌گرایی است که در پنج مضمون فرعی افزایش انتظارات و کاهش قدرت سازگاری، اجتناب از انتخاب برای فرصت‌های بهتر، نقش اسطوره‌های آرمانی، کسب آگاهی و بالارفتن انتظارات با افزایش سن و سخت گرفتن زندگی دسته‌بندی شده است.

خانم ۲۸ ساله (کارشناسی عمران): هر چقدر سن بالاتر میره با توجه به این‌که با آدم‌های مختلف ارتباط می‌گیری و تجربه‌ات بالاتر میره و خواسته‌هاش بیشتر میشه و سخت‌تر می‌تونی ازدواج کنی.

ترس از آینده ازدواج به عنوان مضمون اصلی سوم، دارای سه مضمون فرعی نگرانی از ابهام در ازدواج و عدم تفاهم، تأثیر ازدواج ناموفق اطرافیان و ترس از شکست و ترس از یکنواختی و فقدان هیجان در ازدواج است.

آقا ۳۵ ساله (کارشناسی ارشد مهندسی صنایع): تجربه ازدواج‌های ناموفقی که آدم دور و اطراف می‌بینه یا اختلافاتی که تو زوج‌های جوون می‌بینه، ترس از ازدواج رو بیشتر میکنه.

مضمون اصلی چهارم تأثیر روابط پیش از ازدواج است که چهار مضمون فرعی تحمل آسیب به خاطر شکست عاطفی، تمایل به روابط دوستی و نه ازدواج، محدود شدن معیارها در تجربه عشق نافرجام و از دست رفتن فرصت ازدواج در روابط قبل از ازدواج را دربرمی‌گیرد.

آقا ۳۲ ساله (کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی): تو این زمانی که خونه مجردی داشتم یه دوست دختری داشتم که خیلی‌ها گفتن که باهاش دوست نشو، ولی من اشتباه کردم و دوست شدم و بعد از چند ماه فهمیدم که ایشون خیانت کرده.... همین باعث شد دید جالبی به دخترها نداشته باشم.

مضمون اصلی فرایندهای انگیزشی از پنج مضمون فرعی در اولویت نبودن انتخاب ازدواج، سهولت و مزایای انتخاب‌های جایگزین، رضایت از زندگی مجردی، عدم موازنه سود و زیان در ازدواج و الایش انگیزه ازدواج به دست آمد.

خانم ۲۹ ساله (برنامه نویس): تو شرایط خیلی آسون‌تر یعنی توی دوستی می‌تونی تمام چیزایی که از یه رابطه می‌خوای رو داشته باشی ولی اون بها رو نپردازی.

نبود آمادگی کافی برای ازدواج به عنوان مضمون اصلی ششم، پنج مضمون فرعی مسئولیت‌گریزی و فرار از تعهد، ضرورت کسب بلوغ مقدمه ازدواج، بحران هویتی، فقدان مهارت‌های موردنیاز ازدواج و معیارهای کلی و مبهم در انتخاب را شامل می‌شود.

آقا ۳۵ ساله (کارمند هتل): احساس می‌کنم اگر تو ۲۴، ۲۵ سالگی ازدواج می‌کردم آمادگی این‌که بتونم یه زندگی رو سر و سامون بدم رو نداشتم.... خوب تو سن بالاتر دیدگاه آدم‌ها نسبت به بحران و مشکلات فرق می‌کنه و خیلی راحت‌تر می‌تونن مشکلات رو حل کنن.

مضمون اصلی هفتم موانع خانوادگی است که هفت مضمون فرعی را دربرگرفته است. این مضامین عبارتند از: عدم ترغیب و انتظار ازدواج از جانب خانواده، تلقین‌های خانواده در مورد عدم آمادگی، وابستگی شدید خانواده، اجتناب از ازدواج به دلیل مخالفت خانواده با فرد مورد علاقه، ایفای نقش اقتصادی در خانواده، الگوبرداری از زندگی اطرافیان مهم و کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها در ازدواج.

خانم ۳۰ ساله (کارشناسی معماری): خوشبختانه توی خانواده من معتقدن هر چقدر این سن بالاتر بره مثلا تا ۳۵ سالگی، دخترشون پخته‌تر میشه، قطعاً انتخاب‌های بهتری سر راهش قرار می‌گیرن.

مضمون اصلی هشتم عوامل اجتماعی - فرهنگی است که شامل سه مضمون فرعی تشریفات تحمیلی غیر قابل اجتناب، چشم و هم‌چشمی در انتخاب همسر و محدودیت‌های فرهنگی در رابطه دختر و پسر می‌باشد.

آقا ۳۷ ساله (کارشناسی ارشد مشاوره): فرهنگ بد چشم و هم چشمی که تو مملکت ما خیلی وجود باعث میشه دخترها و پسرها دلشون بخواد که طرفشون آدم پول‌داری باشه و خیلی سخت می‌گیرن.

مضمون اصلی نهم محدودیت انتخاب است. این مضمون شامل دو مضمون فرعی نبود گزینه مناسب ازدواج و نبود فرصت انتخاب برای خانم‌ها می‌باشد.

خانم ۲۸ ساله (کارشناسی عمران): چیز دیگه‌ای که هست اینه که به نظر من برای اکثر دخترها این صدق می‌کنه، ما سن ازدواج خودمون رو انتخاب نمی‌کنیم ما انتخاب میشیم.

انگاره‌های مانع ازدواج به عنوان مضمون اصلی دهم، مضامین فرعی ازدواج موجب محدودیت، تلقی از ازدواج به عنوان امری دشوار، ازدواج: فقدان آزادی و ارتباطی اجباری، بهای سنگین ازدواج و ازدواج موجب سلب حقوق زن را دربرگرفته است.

آقا ۳۴ ساله (مدرس زبان): من احساس می‌کنم الان که ازدواج نکردم خوب هر کاری

که بخوام می‌تونم انجام بدم مثلاً اگر زن داشتم خیلی محدودیت‌ها داشتم. در بخش پیامدهای مثبت دو مضمون فرعی دستیابی به بلوغ و پختگی قبل از تشکیل خانواده و ارتقای شرایط مالی به دست آمد.

خانم ۳۴ ساله (سرپرست مرکز آموزشی): یکی از پیامدهای مثبت ازدواج نکردن اینه که سطح درآمد بالاتر میره. آخه خانم‌هایی که متاهل هستن به علت داشتن سایر وظایف در منزل، نمیتونن تمام وقت سرکار باشن.

مضمون اصلی دوازدهم پیامدهای منفی است که دارای دوازده مضمون فرعی می‌باشد. این مضامین عبارتند از: احساس تنهایی، شکاف سنی با فرزندان، از دست دادن فرصت رشد و استقلال، کاهش سازگاری با افزایش سن، از دست دادن فرصت تشکیل خانواده، ترس از آینده مبهم، نگاه منفی اطرافیان یا جامعه، کاهش سطح کارآمدی در جنبه‌های مختلف، سی سالگی: آمادگی برای سازش با مجرد، تضعیف مسئولیت‌پذیری، دشوار شدن پیشرفت‌های مالی و از دست دادن فرصت مادری.

خانم ۳۰ ساله (کارشناسی ارشد مشاوره): کلاً احساس می‌کنم اون استقلالیه که آدم توی ازدواج بهش میرسه رو من از دست دادم... توی سن بالاتر شانس ازدواج از طرفی کم میشه و شاید یه مقدار سازگاری کم‌تر میشه.

آقا ۳۵ ساله (مهندس شیمی): حسرت تشکیل خانواده هست و فکر می‌کنم انگار هر چی هم به دست بیارم باز هم یه چیزی کمه.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه عمیق جوانان درگیر تأخیر در ازدواج، واکاوی و شناخت هر چه بیشتر این پدیده و سعی در کسب آگاهی‌های لازم جهت از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه ازدواج جوانان بوده است.

۱- دغدغه‌های اقتصادی

در مورد نحوه تأثیرگذاری دغدغه‌های اقتصادی بر تأخیر در ازدواج باید به این نکته توجه داشت که امروزه افزایش هزینه‌های مربوط به برگزاری مراسم و تشریفات مرتبط با آن به گونه‌ای است که تامین مالی آن‌ها برای بسیاری از جوانان مقدور نبوده و آن را مانعی بر سر راه ورود به زندگی زناشویی می‌دانند. همچنین خانواده‌ها که در گذشته حامی مالی جوانان بوده و آن‌ها را در برگزاری مراسم و فراهم کردن مقدمات ازدواج یاری می‌کردند، امروزه خود از این وضعیت اقتصادی دچار صدمه شده و نقش حمایتی خود را از دست داده‌اند. به طور مثال خانواده دختر با توجه به افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، در تهیه جهیزیه و مایحتاج زندگی فرزند خود با مشکلات جدی روبرو بوده و در بعضی موارد همین نگرانی‌ها به دختر خانواده منتقل شده و باعث می‌شود فرد برای مراعات حال خانواده، ازدواج را به تأخیر بیندازد.

همچنین دشواری تامین هزینه‌های زندگی و تهیه مسکن و تقارن آن با بیکاری و نبود درآمد کافی برای بسیاری از جوانان یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها برای ورود به مرحله ازدواج می‌باشد. علاوه بر این، بسیاری از جوانان که از لحاظ اشتغال و درآمد، سطح قابل قبولی دارند، به دلیل بی‌ثباتی‌های اقتصادی در سال‌های اخیر، در مورد آینده مبهم پیش‌رو نگران بوده و از تلاطم‌های اقتصادی احتمالی در آینده به عنوان سدی در برابر اقدام به ازدواج یاد می‌کنند. نتایج پژوهش حاضر در بخش دغدغه‌های اقتصادی با یافته‌های پژوهش رضانی و قلتاش (۱۳۹۵) مبنی بر تأثیر بیکاری مردان و مشکلات اقتصادی خانواده دختر در تهیه جهیزیه همسو بوده است. پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۳۹۸)؛ طاهری، مهربانی و قاسمی‌پور (۱۳۹۷)؛ و سانتوس و ویس (۲۰۱۶) نیز با اشاره به تأثیر عوامل اقتصادی بر تأخیر در ازدواج، هم‌جهت با پژوهش حاضر می‌باشند.

۲- آرمان‌گرایی

پیروی از فرهنگ غربی، کاهش قبح مجرد در جامعه، گسترش شبکه‌های اجتماعی و

به تصویر کشیده شدن سبک زندگی های مجلل باعث شده ذائقه جوانان تغییر کرده و بسیاری از دختران و پسران در شرف ازدواج، ورود به زندگی زوجی را تنها در صورت پاسخگویی به نیازهای ایده آل گرایانه خود انتخاب کنند. در واقع جوانان امروزی ازدواج را وسیله ای در جهت رسیدن به آرزوها و آرمان های خود می دانند و تا حد زیادی از واقعیت آن فاصله گرفته اند. به طوری که بیش از این که به لزوم تقویت قدرت سازگاری جهت ساختن زندگی زناشویی توجه داشته باشند، معیارهای متنوعی را برای انتخاب همسر در نظر گرفته و به امید دستیابی به رویاهای خود، بسیاری از فرصت های ازدواج را فدا کرده و در انتظار موقعیت های بهتر می نشینند. بر اساس نظریه وجودی برای این گروه از جوانان، انتخاب یک نفر به عنوان همسر معادل انتخاب نکردن سایرین بوده و همین مسئله بر اضطراب انتخاب دامن زده و فرد با به تعویق انداختن ازدواج، درصدد مقابله با این اضطراب می باشد. این در حالیست که در بسیاری از موارد با افزایش سن افراد، نه تنها از معیارهای آن ها برای انتخاب همسر کاسته نمی شود بلکه سخت گیری آن ها بیشتر شده و باز هم ازدواج را به تأخیر می اندازند. یافته های پژوهش حاضر در زمینه آرمان گرایی با نتایج پژوهش زارعان (۱۳۹۷)؛ و سلیم و همکاران (۲۰۱۵) مبنی بر ایده آل گرایی، افزایش معیارها و سخت گیری بیش از حد همسو می باشد.

۳- ترس از آینده ازدواج

یکی از مهم ترین عواملی که جوانان را در ازدواج مردد می کند، ترس از اتفاقات آینده و مشکلات احتمالی در رابطه با همسر می باشد. برای تبیین این بخش می توان از مفاهیم ترس صحنه ای و اجتناب در نظریه پرلز استفاده کرد. در واقع دل مشغولی و نگرانی جوانان از سرنوشت ازدواج و ترس از شکست و عدم موفقیت در آن یکی از عوامل بازدارنده آن ها در تشکیل خانواده می باشد. بالارفتن آمار طلاق، عدم سازگاری و تعارض های زناشویی، سردی عاطفی زوج ها و عدم پابندی اخلاقی افراد متأهل، جوانان را نسبت به آینده ازدواج دچار ابهام می سازد. بسیاری از این جوانان اجتناب از تماس و

رویارویی با ازدواج را یک راه حل مطمئن و امن برای در امان ماندن از این پیامدهای منفی می‌دانند. این گروه با پررنگ کردن این ترس‌ها، سعی در حفظ شرایط به ظاهر امن کنونی داشته و با به تعویق انداختن ازدواج، ثبات و یکنواختی را جایگزین اضطراب خود می‌کنند.

یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۷) و شکوری، نقدی، امامعلی‌زاده و رحیمی (۱۳۹۷) هم جهت است.

۴- تأثیر روابط پیش از ازدواج

در سال‌های اخیر روابط دوستی پیش از ازدواج در میان جوانان به یک هنجار تبدیل شده است (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶). ورود به این گونه روابط جوانان را با چالش‌های مختلفی روبرو می‌کند که می‌تواند بر سن ازدواج آن‌ها تأثیرگذار باشد. بسیاری از این روابط که از ابتدا به غلط شکل گرفته در نهایت به شکست عاطفی منجر شده و به جز هزینه‌های روحی، عاطفی و جسمی دستاوردی برای فرد نداشته و کار را برای ورود به رابطه زناشویی و ازدواج مشکل می‌کند. در بسیاری از این دوستی‌ها افراد به بهانه پایبندی و تعهد به رابطه پوشالی خود، فرصت‌های زیادی را برای ازدواج از دست داده و دوران طلایی ازدواج را زیر سایه روابط نافرجام تباه می‌کنند. همچنین تنوع روابط دوستی خارج از محدوده ازدواج، ذائقه جوانان را تغییر می‌دهد، به طوری که آن‌ها، روابط آزادانه با جنس مخالف و عدم تعهد دائمی را به رابطه تعهدآور ازدواج ترجیح می‌دهند و بدین شکل ازدواج را به سنین بالاتر موکول می‌کنند. زارعان (۱۳۹۷) و گائتانو^۱ (۲۰۱۰) نتایج مشابهی در زمینه تأثیر روابط پیش از ازدواج گزارش کرده‌اند.

۵- فرایندهای انگیزشی

یکی از پیامدهای تغییرات فرهنگی در جامعه، تنزل ارزشی ازدواج و کاهش انگیزه

جوانان برای ورود به رابطه زناشویی می‌باشد. در واقع نسل جوان امروز با استفاده از ماهواره و اینترنت، بیش از گذشته در معرض تجربه جهانی شدن قرار گرفته و ارزش ازدواج در میان آن‌ها کاهش یافته است. امروزه برای بسیاری از جوانان، ازدواج از اولویت خارج شده و موفقیت در زندگی با امان‌های شغلی، تحصیلی و اقتصادی سنجیده می‌شود. از دیگر عوامل کاهش انگیزه ازدواج در جوانان می‌توان به در دسترس بودن انتخاب‌های جایگزین و به مراتب ساده‌تر اشاره کرد. در واقع سهولت دسترسی به روابط با جنس مخالف و فراهم بودن امکان ارضای نامشروع نیاز جنسی در کنار لذت بردن از زندگی مجردی، مانع از حرکت جوانان به سمت ازدواج می‌شود. همچنین گروهی از جوانان که به دنبال بررسی هزینه و فایده ازدواج هستند، معتقدند زیان ازدواج بیشتر از فرصت‌های آن است و در نتیجه ازدواج را جهت استفاده از فرصت‌های مجرد به تعویق می‌اندازند. محبی، سیاح و سادات حسینی (۱۳۹۵)؛ شکوری و همکاران (۱۳۹۷) و آلیسون و ریزمن (۲۰۱۶) با یافته‌هایی مبنی بر امکان ارضای نامشروع میل جنسی در جامعه و عدم احساس نیاز به ازدواج، سهولت و مزایای انتخاب‌های جایگزین و لذت از زندگی مجردی، به نتایج مشابهی با یافته پژوهش حاضر در بخش فرایندهای انگیزشی دست یافته‌اند.

۶- نبود آمادگی کافی برای ازدواج

بسیاری از جوانانی که ازدواج خود را به تعویق می‌اندازند در مورد آمادگی خود به ازدواج تردید داشته و ورود به این مرحله از زندگی را مستلزم نهایت بلوغ و پختگی می‌دانند. بخشی از بلوغ و آمادگی مورد نیاز ازدواج، کسب مهارت‌های لازم برای داشتن زندگی زوجی موفق و بخشی نیز مربوط به آمادگی پذیرش مسئولیت‌ها و تعهدات یک رابطه دائمی و متقابل می‌باشد. در این میان گروهی از جوانان به دلیل وجود بحران‌های هویتی حل نشده، از پذیرش مسئولیت‌های ازدواج فرار کرده و خود را برای ایفای نقش همسری آماده نمی‌دانند. در واقع دختران و پسران جوان، افزایش سن را مسیر دستیابی به

پختگی، بلوغ و مهارت‌های مورد نیاز ازدواج دانسته و به همین دلیل ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند. پژوهش حاضر در بخش نبود آمادگی کافی برای ازدواج با نتایج پژوهش زارعان (۱۳۹۷) و محدعیسی و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد.

۷- موانع خانوادگی

خانواده به عنوان محیطی که فرد در آن پرورش یافته، بر جنبه‌های مختلف زندگی او اثرگذار است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تحت تأثیر خانواده قرار دارد، مسئله ازدواج است. امروزه بسیاری از والدین با مشاهده تجارب منفی اطرافیان در ازدواج و گسترش آمار طلاق و تعارضات زناشویی به شدت نگران آینده فرزندان خود بوده و به دلیل ابهام آینده‌ی ازدواج ترجیح می‌دهند فرزندان آن‌ها در کنار خودشان در شرایط امن و آرامش زندگی کنند. همه‌گیر شدن تجرد و گسترش پذیرش آن در جامعه برای این دسته از والدین، راه را هموار کرده تا با عدم ترغیب فرزندان به ازدواج و حتی تلقین زود بودن و عدم آمادگی برای ازدواج، آن‌ها را به سمت تأخیر در ازدواج سوق دهند. البته در بعضی موارد وابستگی شدید والدین به فرزند از لحاظ عاطفی یا حتی مالی باعث عدم تمایل آن‌ها به ازدواج فرزند شده که معمولاً در قالب عدم ترغیب و مخالفت با ازدواج فرزند خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این برخی از خانواده‌ها با سخت‌گیری‌های بیش از حد و قرار دادن موانع بزرگ در سر راه جوانان از جمله تعیین مهریه‌های سنگین و انتظارات مالی غیرمنطقی، آن‌ها را از نعمت تشکیل خانواده و آغاز مسیر زندگی زوجی محروم می‌دارند. یافته‌های این بخش با نتایج تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۹۷)؛ طاهری و همکاران (۱۳۹۷) و رمضان‌ی و قلتاش (۱۳۹۵) همسو است.

۸- عوامل اجتماعی - فرهنگی

هر چند این مضمون اصلی در مقایسه با سایر مضامین کم‌ترین تکرار را داشته، اما نمی‌توان به سادگی از تأثیر کلیشه‌های فرهنگی دست و پاگیر بر ازدواج رد شد. یکی از

بزرگ‌ترین آسیب‌های فرهنگی رقابت و چشم و هم‌چشمی جوانان و خانواده‌ها در امر ازدواج می‌باشد. این رقابت در زمینه‌های مختلفی از جمله انتخاب همسر، برگزاری مراسم مجلل، میزان مهریه و کمیت و کیفیت جهیزیه جاری می‌باشد. در بسیاری از موارد ورود به عرصه این رقابت بی‌نتیجه‌ای جز اتلاف منابع مالی خانواده‌ها و صعب‌العبور کردن مسیر آغاز زندگی زوجی نداشته و بسیاری از جوانان و خانواده‌ها از بیم شکست در این کارزار خودساخته به سمت به تأخیر انداختن ازدواج حرکت می‌کنند. طاهری و همکاران (۱۳۹۷) نیز در زمینه تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی بر تأخیر در ازدواج به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

۹- محدودیت انتخاب

مضمون محدودیت انتخاب بیشتر دغدغه دختران در مسئله تأخیر در ازدواج به‌شمار می‌رود، به طوری که هر چهار نفری که به این مضمون اشاره داشتند از مشارکت‌کنندگان خانم بودند. به نظر می‌رسد با توجه به کاهش انگیزه ازدواج در جوانان که ناشی از عوامل مختلف می‌باشد، تنوع و گستره انتخاب همسر برای خانم‌ها بسیار کمتر از گذشته شده و آن‌ها برای انتخاب از بین موارد محدود، تحت فشار قرار دارند. افزایش آرمان‌ها و معیارهای سخت‌گیرانه انتخاب همسر از یک سو و کاهش موقعیت‌های ازدواج از سوی دیگر باعث شده بسیاری از دختران احساس کنند در تنگنایی برای انتخاب همسر قرار گرفته‌اند. بسیاری از آن‌ها حاضر نیستند از موضع ایده‌آل‌گرایانه خود کوتاه آیند و از این رو نبود موارد مناسب را یک عامل تأخیر در ازدواج می‌دانند. نتایج این بخش با یافته‌های پژوهش رمضان‌ی و قلتاش (۱۳۹۵) و محبی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر حق تصمیم‌گیری و انتخاب فقط برای مردان و تنگنای ازدواج، هم‌راستا می‌باشد.

۱۰- انگاره‌های مانع ازدواج

یکی از موانع مهم ازدواج وجود برداشت‌های ذهنی و ادراکات منفی نسبت به آن است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد امروزه ازدواج از اولویت جوانان خارج شده و اهداف شغلی و تحصیلی نقش پررنگ‌تری در مسیر زندگی آن‌ها ایفا می‌کنند. از این‌رو جوانان ازدواج را موجب محدودیت و مانعی برای پیشرفت در زمینه‌های فردی می‌دانند و این‌گونه می‌پندارند که ورود به رابطه زناشویی با رسیدن به اهداف و آرزوهایشان منافات دارد. همچنین به دلیل غلبه تفکرات فمینیستی در برخی از دختران جوان، آن‌ها ازدواج را موجب سلب حقوق زنان دانسته و تأخیر در ازدواج را دفاع از حقوق زنانه خود و تجرد را عامل پیشرفت و موفقیت در حوزه‌های مختلف برمی‌شمارند. نتایج این بخش نیز با یافته‌های پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است.

۱۱- پیامدهای مثبت

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، جوانان افزایش سن را یکی از راه‌های دستیابی به بلوغ و پختگی می‌دانند. در واقع یکی از دستاوردهای به تأخیر انداختن ازدواج از نگاه جوانان، کسب آمادگی‌های لازم برای ازدواج و پختگی در تصمیم‌گیری می‌باشد. این دسته از جوانان معتقدند در مقایسه با سنین پایین‌تر، از لحاظ معیارهای انتخاب همسر، توان سازگاری، قدرت حل مسأله و غلبه منطق بر احساس که از ملاک‌های مهم ازدواج موفق می‌باشند، رشد چشمگیری داشته‌اند، به طوری که بسیاری از انتظارات و انتخاب‌های گذشته خود را در زمینه ازدواج زیرسوال برده و اذعان دارند در حال حاضر پتانسیل بالاتری برای انتخابی شایسته و به دور از هیاهوی جوانی و شروع یک رابطه عمیق و سالم دارند. گروهی دیگر نیز پیشرفت‌های مالی را از پیامدهای مثبت به تعویق انداختن ازدواج می‌دانند. این دسته از جوانان بر محدودیت ازدواج و دشواری مدیریت مالی آن به عنوان عوامل تأخیر در ازدواج تأکید دارند و معتقدند افراد مجرد نه تنها تمرکز و فرصت

بیشتری برای کسب موفقیت‌های شغلی و اقتصادی دارند، بلکه خطر اتلاف منابع مالی در قالب زندگی زناشویی نیز آن‌ها را تهدید نمی‌کند و از این طریق می‌توانند پیشرفت‌های مالی سریع‌تری را تجربه کنند. در قسمت پیامدهای مثبت تأخیر در ازدواج، محبی و همکاران (۱۳۹۵) با اشاره به پختگی و فریگی انتخاب و پیشرفت‌های اقتصادی و پروین و همکاران (۱۳۹۶) با ارائه نتایجی مبنی بر خودشناسی و رشد اجتماعی و اقتصادی به عنوان مزایای تجرد، به نتایج مشابهی با پژوهش حاضر دست یافته‌اند.

۱۲- پیامدهای منفی

با توجه به پراکندگی و تنوع پیامدهای منفی، به نظر می‌رسد هر یک از مشارکت‌کنندگان ادراک ویژه‌ای از معایب تأخیر در ازدواج دارند. یکی از پرتکرارترین پیامدهای منفی، احساس تنهایی است. با توجه به نیاز انسان به ازدواج و لزوم داشتن یک همراه واقعی در زندگی، جوانانی که علی‌رغم افزایش سن، وارد این مرحله از زندگی نشده‌اند، احساس تنهایی را تجربه می‌کنند. حتی جوانانی که به شکل‌های مختلف سعی در فراهم آوردن جایگزین‌هایی برای ازدواج هستند، باز هم نگران آینده مبهم خویش می‌باشند.

در برخی موارد (به ویژه در دختران) تأخیر در ازدواج علاوه بر بعد سنی، فرد را از لحاظ روحی و روانی نیز تحت تأثیر قرار داده و ممکن است فرد شانس ازدواج خود را کم‌رنگ دیده و احساس کند با افزایش سن، ازدواج او منتفی خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که علی‌رغم تغییرات فرهنگی و ارزشی در حوزه ازدواج، همچنان فرهنگ ایرانی، ارزش و جایگاه ویژه‌ای برای ازدواج قائل بوده و افراد مجردی که در سن ازدواج هستند تحت قضاوت‌ها، برچسب‌ها و نگاه منفی اطرافیان و جامعه قرار دارند و این مسئله به شکل‌های گوناگون از جمله دلسوزی‌های آزاردهنده، طعنه و کنایه و یا سرزنش،

آن‌ها را رنج می‌دهد. همچنین با توجه به این‌که ازدواج، گام اول در تشکیل خانواده می‌باشد، به تعویق انداختن آن می‌تواند موجب تأخیر در فرزندآوری و ایجاد شکاف سنی بین دو نسل شود.

لازم به ذکر است یکی از مزایای ازدواج، امکان کسب استقلال از خانواده اصلی و برداشتن قدمی بزرگ در جهت رشد جوانان است. با به تعویق انداختن ازدواج نوعی فرصت‌سوزی در این زمینه صورت می‌گیرد و جوانان شانس مستقل شدن از خانواده را به سنین بالاتر موکول می‌کنند. علاوه بر این‌ها، تعویق در ازدواج و خوگرفتن با سبک زندگی مجردی، ترجیحات و ذائقه جوانان را دستخوش تغییر کرده و میزان انعطاف‌پذیری و سازگاری با موقعیت‌های جدید در آن‌ها تنزل می‌یابد و ورود به زندگی زناشویی که خود نیازمند مهارت سازگاری است، با مصائب بسیاری همراه خواهد بود. در بخش پیامدهای منفی، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش پروین و همکاران (۱۳۹۶)؛ محبی و همکاران (۱۳۹۵)؛ حسینی و ایزدی (۱۳۹۵)؛ رضانی و قلتاش (۱۳۹۵) و محدعیسی و همکاران (۲۰۲۰) که کاهش امید به ازدواج، تأخیر در استقلال از خانواده، ترس از آینده و تأخیر در احراز نقش مادری، برچسب‌ها و نگاه منفی جامعه، موقعیت‌های ازدواج ضعیف‌تر نسبت به گذشته، ترس و ابهام از آینده، احساس تنهایی، قضاوت نادرست دیگران و تبعیض شغلی را گزارش کرده‌اند، همسو می‌باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج جوانان ترس و ابهام نسبت به آینده است. دغدغه‌های مالی و عدم ثبات اقتصادی از یک سو و هراس از شکست در ازدواج و قید و بندها و محدودیت‌هایی که بخش جدایی‌ناپذیر ازدواج انگاشته می‌شوند، سهم بسزایی در شکل‌گیری ابهام از آینده دارند. این پدیده معادل مفهوم ترس‌های صحنه‌ای در نظریه گشتالت درمانی است. شمایل مخوف ازدواج و نارضایتی‌ها و تجارب ناموفق افراد متاهل، جوانان را متقاعد می‌سازد که ازدواج امری بس

دشوار بوده و ورود به آن نیازمند نهایت بلوغ و پختگی می باشد که تنها در سایه افزایش سن، کسب تجربه و ارتقای سطح اقتصادی به دست خواهد آمد. بدین ترتیب ازدواج حداقل برای چند سال از اولویت جوانان خارج شده و انتخاب های جایگزین خلاء آن را در زندگی شان پوشش می دهد. در برخی از موارد، این انتخاب های جایگزین ذائقه و گرایش جوانان را دستکاری کرده و آن ها را از مسیر ازدواج منحرف می سازد. به طور مثال روابط آزاد با جنس مخالف به عنوان جایگزینی برای روابط زناشویی، جوانان را به سمت فرار از مسئولیت و عدم پایبندی به رابطه دائمی ازدواج سوق می دهد، و یا تمرکز بر پیشرفت های شغلی و تحصیلی که برای برخی از جوانان جای خالی ازدواج را پر می کند، آنان را وارد رقابت اقتصادی و تحصیلی کرده، به طوری که ازدواج را مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف خود می پندارند. بدین ترتیب جوانی که ازدواج را جهت کسب آمادگی های روانی و اقتصادی و کسب مهارت های مورد نیاز به تأخیر انداخته بود، حال با مشکل عدم انعطاف پذیری، ضعف سازگاری و محاسبه ی افراطی هزینه و فایده ازدواج، برای ورود به این مرحله از چرخه زندگی مواجه بوده و به جای توجه به نقش خود در ساختن یک زندگی زناشویی موفق، صرفاً با تعیین معیارهای سخت گیرانه برای انتخاب همسر و انتظار کسب حداکثر سود از ازدواج، به دنبال یک ازدواج ایده آل می باشد. همین مسئله کار را برای آغاز یک زندگی بر پایه واقعیت دشوار ساخته و جوانان را با پیامدهای منفی تأخیر در ازدواج روبرو می سازد.

به نظر می رسد علیرغم این که موانع بیرونی از جمله مشکلات اقتصادی، قیود فرهنگی و بحران های اجتماعی، راه را برای ازدواج جوانان ناهموار ساخته، اما نباید عاملیت خود فرد را در به تعویق انداختن ازدواج نادیده گرفت. در حقیقت امروزه وجود ترس ها و موانع ذهنی، سبک زندگی، فرایندهای انگیزشی و کمال گرایی جوانان در کنار

عوامل محیطی محدودکننده، نقش بسزایی در افزایش سن ازدواج ایفا می‌کنند. گلسر^۱ (۲۰۱۰) معتقد است از آنجایی که واقعیت همیشه همساز و هماهنگ با ما نیست، برخی از افراد به جای پذیرش مسئولیت خود و یافتن راه‌های مؤثر و مسئولانه جهت رفع نیازها، مسئولیت‌گريزانه رفتار می‌کنند و دیگران و عوامل محیطی را عامل ناکامی خود می‌دانند (گلسر، ۲۰۱۰؛ ترجمه صاحبی، ۱۳۹۵).

نکته قابل تامل در تحقیق حاضر، اشاره‌ی کمتر مشارکت‌کنندگان خانم به پیامدهای منفی به تعویق انداختن ازدواج از جمله شکاف سنی با فرزندان، ترس از آینده مبهم، از دست دادن گزینه‌های مناسب ازدواج، احساس تنهایی و از دست دادن فرصت تشکیل خانواده بود و تنها یک نفر از مشارکت‌کنندگان خانم به ازدست دادن فرصت مادری به عنوان پیامد تأخیر در ازدواج اشاره کرد. این مسئله را می‌توان چنین تبیین کرد که با توجه به شرایط فرهنگی کشور ما و بر اساس نظریه داغ ننگ گافمن^۲ (۲۰۰۹؛ ترجمه کیانپور، ۱۳۹۲)، ننگ تجرد و فشار جامعه و اطرافیان، بار روانی سنگینی بر دختران مجرد تحمیل کرده و آن‌ها با عدم اشاره به پیامدهای منفی و معایب تأخیر در ازدواج، سعی در حفاظت از «خود» در برابر اضطراب ناشی از بالا رفتن سن دارند.

لازم به ذکر است که مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر عدم تنوع در سطح تحصیلات مشارکت‌کنندگان بود، به طوری که همه آن‌ها کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. این در حالی است که پراکندگی سطح تحصیلات نمونه‌ها می‌توانست بر جامعیت نتایج تحقیق تأثیر بسزایی داشته باشد. همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادات کاربردی از جمله برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها و سرای محله‌ها جهت احیای ارزش‌های ازدواج، رفع موانع ذهنی جوانان و اصلاح باورهای غلط در مورد ازدواج و تلاش نهادهای فرهنگی در جهت فرهنگ‌سازی ازدواج آسان و اشاعه

1. Glasser
2. Goffman

فرهنگ ازدواج موفقیت آمیز در رسانه‌ها می‌توانند نقش بسزایی در جهت رفع موانع ازدواج و حرکت جوانان به سمت ازدواج بهنگام ایفا نمایند. همچنین به نظر می‌رسد آگاهی دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های مرتبط با روان‌شناسی و مشاوره نسبت به چالش‌ها و مصائب ازدواج و مواجهه با خیل عظیم زوج‌های متعارض، بر تصمیم آن‌ها برای ورود به رابطه زناشویی تأثیرگذار است. لذا مطالعه پدیدارشناسانه تأخیر در ازدواج این گروه خاص، به عنوان یک پیشنهاد پژوهشی حاوی نتایج ارزشمندی خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: آگاه‌سازی شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش، اخذ رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان، کسب اجازه برای ضبط مصاحبه‌ها، رعایت اصل رازداری، محفوظ ماندن نام مشارکت‌کنندگان و استفاده از اسم مستعار، امکان انصراف در هر مرحله از پژوهش و احترام به حریم خصوصی مشارکت‌کننده، از جمله ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر بودند.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است. این مقاله برگرفته از نتایج یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده است.

حمایت مالی: نویسندگان اعلام می‌نمایند در پژوهش حاضر هیچ‌گونه حمایت مالی دریافت نکرده‌اند.

تعارض منافع: نویسندگان اذعان می‌نمایند هیچ‌گونه تعارض منافی در انجام و نگارش پژوهش حاضر با شخص یا سازمانی ندارند.

قدردانی: پژوهشگران مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمام مشارکت‌کنندگانی که در فرایند پژوهش همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

منابع

ابراهیمی، نازیلا؛ کرابی، امین؛ عباسپور، ذبیح‌اله؛ و شهبازی، مسعود. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد تحصیلات تکمیلی. پژوهش‌نامه زنان، ۱۱(۱)، ۱-۲۴. [10.30465/WS.2020.5102](https://doi.org/10.30465/WS.2020.5102)

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.

اسکندری چراتی، آذر. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، ناشر: دانشگاه آزاد آشتیان، ۴(۳)، ۱-۲۵.

افشاری کاشانیان، امید؛ زهراکار، کیانوش؛ محسن‌زاده، فرشاد؛ و تاجیک اسماعیلی، عزیزالله. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زنان. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۸(۷۱)، ۱۲۲-۱۵۶.

[10.29252/jcr.18.71.121](https://doi.org/10.29252/jcr.18.71.121)

التجائی، ابراهیم؛ و عزیززاده، مینا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان‌استانی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۷(۳)، ۱-۱۸.

بیوک‌زاده، صبا. (۱۳۹۰). ازدواج به سبک ایرانی: همه چیز درباره‌ی پیوند زناشویی. تهران: ترفند.

پروین، ستار؛ فعله‌گری، زینب؛ و کیانی، مرجان. (۱۳۹۶). تجربه زیسته دختران از تأخیر در ازدواج و گونه‌شناسی استراتژی‌های مواجهه با آن. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۳(۱۲)، ۱۸۵-۲۴۰.

[10.22054/RJSW.2017.10040](https://doi.org/10.22054/RJSW.2017.10040)

حسینی، حاتم؛ صادقی، رسول؛ و رضایی، اردشیر. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران. توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۱۱(۱)، ۱۴۷-۱۷۲. [10.22059/JRD.2019.74459](https://doi.org/10.22059/JRD.2019.74459)

حسینی، سید حسن؛ و ایزدی، زینب. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۴(۱)، ۴۱-۷۲.

[10.22051/JWSPS.2016.2332](https://doi.org/10.22051/JWSPS.2016.2332)

حسینی، ناهید؛ سید میرزایی، سید محمد؛ و ساروخانی، باقر. (۱۳۹۷). واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی: جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶). زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۲)، ۲۴۳-۲۷۰. [10.22059/jwdp.2018.251394.1007374](https://doi.org/10.22059/jwdp.2018.251394.1007374)

رازقی نصرآباد، حجیه‌بی‌بی؛ و فلاح نژاد، لیلا. (۱۳۹۶). تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج: مورد مطالعه شهر هشتگرد. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۱۹(۷۵)، ۶۳-۸۴.

[10.22095/JWSS.2017.51745](https://doi.org/10.22095/JWSS.2017.51745)

رمضانی، سیده‌گل افروز؛ و قلتاش، عباس. (۱۳۹۵). تجربه زیسته دانشجویان دکتری دانشگاه کردستان در بازماندگی از ازدواج. آموزش عالی ایران، ۸(۴)، ۱۰۳-۱۲۸.

زارعان، منصوره. (۱۳۹۷). بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران. مطالعات زن و خانواده، ۶(۲)، ۸۹-۱۱۰.
[10.22051/JWFS.2017.14955.1426](https://doi.org/10.22051/JWFS.2017.14955.1426)

زند، سعید؛ رحیمی، علیرضا؛ و موسوی نسل، مریم‌سادات. (۱۳۹۹). پیامدهای مرگ آگاهی در زندگی نوجوانان: یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۹(۷۶)، ۲۰۹-۲۳۳.

[10.29252/jcr.19.76.209](https://doi.org/10.29252/jcr.19.76.209)

www.sabteahval.ir

سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۸).

شکوری، اعظم؛ نقدی، اسدالله؛ امامعلی‌زاده، حسین؛ و رحیمی، زهرا. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان. نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷(۴۱)، ۴۹-۷۲.

شهانواز، سارا؛ و اعظم‌آزاده، منصوره. (۱۳۹۷). فراترکیب مطالعات مجرد در ایران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۶(۴)، ۴۳-۷۸.
[10.22051/JWSPS.2019.22028.1823](https://doi.org/10.22051/JWSPS.2019.22028.1823)

شهانواز، سارا؛ و اعظم‌آزاده، منصوره. (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر مجرد در ایران. مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۲)، ۱۵۷-۱۹۱.
[20.1001.1.24766933.1398.10.2.10.4](https://doi.org/10.21001.1.24766933.1398.10.2.10.4)

طاهری، زهرا؛ مهربانی، مرضیه؛ و قاسمی پور، مریم. (۱۳۹۷). بررسی موانع ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۵. فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۱۹(۶۰-۶۱)، ۱۸۱-۲۰۶.

عابدی، حیدرعلی. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی. فصلنامه راهبرد، ۱۹(۵۴)، ۲۰۷-۲۲۴.
[20.1001.1.10283102.1389.18.1.6.1](https://doi.org/10.21001.1.10283102.1389.18.1.6.1)

عباس‌زاده، محمد؛ و نیکدل، نرمین. (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای زمینه ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۸(۴): ۴۹۳-۵۱۶.

[10.22059/jwica.2016.61791](https://doi.org/10.22059/jwica.2016.61791)

فرخی، الهام؛ و اسلام‌زاده، بابک. (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های ارتقاء صمیمیت زوج‌ها: یک تحلیل کیفی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۹(۷۶)، ۱۷۲-۲۰۸.
[10.29252/jcr.19.76.172](https://doi.org/10.29252/jcr.19.76.172)

کری، جرالند. (۲۰۰۹). نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۵)، تهران: نشر ارسباران.

گافمن، اروینگ. (۲۰۰۹). داغ ننگ: چاره اندیشی برای هویت ضایع شده. ترجمه مسعود کیانپور (۱۳۹۲)، تهران: نشر مرکز.

گلسر، ویلیام. (۲۰۱۰). تئوری انتخاب. ترجمه علی صاحبی. (۱۳۹۵) تهران: سایه سخن (چاپ دهم).
محبی، سیده فاطمه؛ سیاح، مونس؛ و سادات حسینی، شیمما. (۱۳۹۵). دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران
دانشجو. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۹(۶)، ۲۵۱-۲۷۴.
میشل، آندره. (۱۹۷۲). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان (۱۳۷۸). تهران: انتشارات دانشگاه
تهران.

Allison, R., & Risman, B. J. (2017). Marriage delay, time to play? Marital horizons and hooking up in college. *Sociological Inquiry*, 87(3): 472-500.

<https://doi.org/10.1111/soin.12159>

Binson, N. (2014). Effects of Late Marriage and Postponing Pregnancy On Our Life
<http://womenpla.net>

Edge, W. (2017). Nursing professionalism: Impact of social media use among nursing students. *Journal of Healthcare Communications*, 2(3): 1-3.

[DOI:10.4172/2472-1654.100068](https://doi.org/10.4172/2472-1654.100068)

Gaetano, A. M. (2010). Single women in urban China and the "Unmarried crisis": gender resilience and gender transformation (Vol. 31). Centre for East and South-East Asian Studies, Lund University.

Li, J. (2018). The Timing of Marriage Matching. Senior Honors Thesis. Department of Economics. University of North Carolina at Chapel Hill.

[10.17615/4ac4-e247](https://doi.org/10.17615/4ac4-e247)

Mohd Isa, N. A., Misri, N. A., Fazlan, M. I., Rezali, N. S. N., Moktar, N. A. A., & Ku Aziz, K. A. (2020). The perceptions of women in late marriage. *e-Journal of Media & Society* (e-JOMS), 4: 2-16.

<https://myjms.mohe.gov.my/index.php/ejoms/article/view/15744>

Murayama, S. (2001). Regional standardization in the age at marriage: A comparative study of preindustrial Germany and Japan. *The history of the Family*, 6(2): 303-324. [https://doi.org/10.1016/S1081-602X\(01\)00074-4](https://doi.org/10.1016/S1081-602X(01)00074-4)

Nobles, J., & Bутtenheim, A. (2008). Marriage and socioeconomic change in contemporary Indonesia. *Journal of Marriage and Family*, 70(4): 904-918.

[doi:10.1111/j.1741-3737.2008.00535.x](https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2008.00535.x)

Saleem, H., Chaudhry, A. G., Jabbar, A., & Mishal, S. (2015). Late marriages and infertility: An anthropological analysis on health. *The Explorer Islamabad: Journal of Social Sciences*, 1(7): 246-250.

- Santos, C., & Weiss, D. (2016). "Why not settle down already?" a quantitative analysis of the delay in marriage. *International Economic Review*, 57(2): 425-452. <https://doi.org/10.1111/iere.12163>
- Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E. (2021). What does marriage mean to us? Marital centrality among newlywed couples. *Journal of Family Issues*, 42(7), 1631-1654. <https://doi.org/10.1177/0192513X20949>
- Yoo, S. H. (2016). Postponement and recuperation in cohort marriage: The experience of South Korea. *Demographic Research*, 35: 1045-1078.
[DOI: 10.4054/DemRes.2016.35.35](https://doi.org/10.4054/DemRes.2016.35.35)

